



جایزه‌های دیگر برای «اوپنهایمر»

هفتادوششمین دوره جوایز سالانه انجمن کارگردانان آمریکا (DGA)، برندگان خود را طی مراسمی اعلام کرد و در نهایت کریستوفر نولان برای فیلم «اوپنهایمر»، جایزه بهترین کارگردانی سال را به خود اختصاص داد و قدم مهمی به سوی درخشش در جوایز اسکار برداشت. ایستنا ضمن اعلام این خبر نوشت، ساخته جدید نولان که پیش از این جوایز متعددی از جمله بهترین فیلم و کارگردانی گلدن گلوب را از آن خود کرده، از فضای فیلم‌های علمی تخیلی او فاصله گرفته و شبیه فیلم «دانکرک» یک روایت تاریخی است، به صورت ترکیبی از فرمت‌های «IMAX» و «۶۰ و ۶۵ میلیمتری فیلمبرداری شده و براساس اعلام کمیته یونیورسال نخستین پروژه سینمایی است که در آن از فیلمبرداری آنالوگ سیاه و سفید «IMAX» استفاده می‌شود. فیلم‌نامه «اوپنهایمر» براساس کتاب «پروژه آمریکایی، پیروزی و تراژدی جی رابرت اوپنهایمر» نوشته شده است.



ضرر از قطع اینترنت

گزارش نهاد top۱۰ vps نشان می‌دهد که در سال گذشته میلادی، ۱۹۶ خاموشی عمدی اینترنت در ۲۵ کشور جهان اتفاق افتاده است. دیجیتالو ضمن اعلام این خبر نوشت، محدودیت‌ها و اختلال‌های اینترنتی که تا نیمه سال میلادی ۲۰۲۲ با تحمیل ضرر ۵/۷ میلیارد دلاری، ایران را به رتبه دهمین کشور متضرر جهان از این نظر رسانده بود، حالا تا پایان سال ۲۰۲۳، با ضرر اقتصادی ۹۲۰/۳ میلیون دلاری، ایران را به رتبه سومین کشور جهان در این رتبه‌بندی رسانده است. براساس گزارش این نهاد، در سال گذشته، میزان خسارت وارده به اقتصاد ایران از طریق فیلترینگ ۷۷۲ میلیون دلار بود که با نرخ دلار در سال گذشته (۲۰ هزار تومان)، ضرری ۲۳ هزار میلیارد تومانی به اقتصاد وارد شد. در میان شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم ایکس رکورد بیشترین میزان فیلترینگ و محدودیت را دارد. این پلتفرم با ۱۰ هزار و ۶۸۳ ساعت اختلال عمدی، در رتبه اول قرار گرفته که ۱۸ درصد بیشتر از اینستاگرام و ۲۶ درصد بیشتر از تیک‌تاک بوده است.

عکس: تاوان کاظمی

# چرا انقلاب شد؟

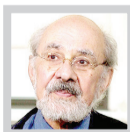
معرفی ۵ رهیافت و ۱۰ کتاب درباره علل وقوع انقلاب ۱۳۵۷



استخدام یک‌سوم نیروی کار شهرنشین در دولت، جذب اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی و برنامه‌های غرب‌آمیزانه عقیدتی و تبلیغی نهادهای اجتماعی، آموزشی و فرهنگی نتیجه می‌گیرد که این تحولات، باعث دگرگونی اساسی در نظام طبقاتی ایران شدند، به نحوی که متخصص غرب‌گرا و کارمندان سطح بالای دولت و بورژواهای جدید رویه‌رشد، اقشار مسلط بودند و طبقه متوسط جدید نیز از موقعیت مطلوبی برخوردار بود، هر چند از منظر سیاسی، به واسطه خودکامگی فزاینده شاه و تحقیر آمل سیاسی نخبگان دولتی و طبقه سرمایه‌دار و متوسط جدید، فرصتی برای مشارکت معنی‌دار آنان وجود نداشت. حکومت پهلوی پس از کودتای ۱۳۳۲، در کسب حمایت طبقه متوسط جدید با مشکل روبه‌رو بود و اعضای این طبقه به مخالفان سیاسی رژیم بدل شدند. اقشار متوسط سنتی نظیر روحانیون و بازاریان، در این دوران، اما انعطاف‌پذیری قابل توجهی نشان دادند. نهاد روحانیت روی هم‌رفته نظام‌مندتر، گسترده‌تر و متنفذتر شده بود. بازار توانست در ادامه حمایت از جنبش‌های مشروطه و ملی شدن صنعت نفت، از قیام ۱۳۴۲ و انقلاب ۱۳۵۷ حمایت مالی کند و حامی نهادهای مذهبی شیعه باشد و نتیجه آن که سه گروه رهبری، تدوین آیدنولوژیک و پشتوانه مالی انقلاب را تدارک دیدند: روشنفکران جوان، علمای مبارز و نسل جوان تریبازاری‌ها. کارمندان دولت و کارگران صنعتی در مراحل واپسین انقلاب بدان پیوستند و تپی دستان شهری و مهاجران روستایی نیز عموماً همچون سپاهی لشکر سایر گروه‌های اجتماعی عمل می‌کردند. اصف بیات نیز در کتاب «سیاست‌های خیابانی» موضعی مشابه اشرف در قبال مشارکت تپی دستان شهری در انقلاب دارد. دهقانان نیز در هیچ‌یک از مراحل جنبش انقلابی نقش برجسته‌ای نداشتند. بدین‌سان پیروزی انقلاب، نه تنها نشان‌دهنده قدرت رهبری انقلاب در کسب پشتیبانی تقریباً همه اقشار اجتماعی عمده بود، بلکه شهادی بود بر ناکامی کامل رژیم پهلوی در حفظ حمایت همان طبقاتی که خود مولد و حامی آن‌ها بود.

ب‌ر‌هیافت سیاسی  
پرواندا آبراهامیان

انقلاب: نتیجه توسعه ناموزون



پرواندا آبراهامیان در سال ۱۹۸۲ کتاب «ایران بین دو انقلاب» را به چاپ رسانید؛ کتابی که دو ترجمه از آن در ایران موجود است و به‌عنوان یکی از منابع درسی دانشجویان علوم سیاسی مورد ارجاع فراوانی قرار می‌گیرد. نویسنده در سطور آغازین کتاب رویکرد نئومارکسیستی اثرش را با ارجاعی به ای.پی. تامپسون و این اعتقاد او که طبقه را نباید صرفاً بر حسب ارتباطش با شیوه تولید، بلکه برعکس باید در متن زمان تاریخی و در اصطلاح اجتماعی آن با طبقات معاصر درک کرد، آشکار می‌کند و با انتقاد از نگرش‌های تک‌بعدی که در تحلیل جوامع غیرغربی، تنها به تحلیل دولت (مکتب ساختاری - کارکردی) یا تحلیل جامعه (مردم‌شناسان و مکتب رفتاری) می‌پردازند، رویکرد خود را جامعه‌شناسی سیاسی به معنای تحلیلی کث متقابل سازمان‌های سیاسی و نیروهای اجتماعی معرفی می‌کند. تز محوری آبراهامیان در تحلیل انقلاب ۱۳۵۷ نیز چنین است: «سیاست توسعه ناموزون» بدین معنا که

خاص، به معنای آن نیست که آن متون از توجه به سایر وجوه به‌طور مطلق، غفلت ورزیده‌اند، بلکه تنها این اشاره را در خود مستتر دارد که نویسندگان به موضوع از یک منظر پرداخته‌اند یا نقش یک عامل را مهم‌تر تلقی کرده‌اند. براین اساس در ادامه با توجه به تقسیم‌بندی حمیرا مشیرزاده، به معرفی نظریه‌های مطرح درباره انقلاب ایران خواهیم پرداخت.

الف‌ر‌هیافت اقتصادی-اجتماعی  
همایون کاتوزیان

قیام کل جامعه علیه استبداد نفتی



محمدعلی همایون کاتوزیان، در سال ۱۳۵۷، ۳۶ سالگی و در حالی که سابقه ۱۰ سال تدریس در دانشگاه‌های انگلیس را داشت، کتابی با نام «اقتصاد سیاسی ایران» را نگاشت. در این کتاب، کاتوزیان نظریه «استبداد ایرانی» را مطرح کرد و با مقایسه استقلال طبقات از دولت در اروپا و عدم استقلال طبقات از دولت در ایران، فقدان تجربه حامی فئودالیسم از نوع اروپایی را در ایران گوشزد کرد. به نظر او، دولت در ایران، فراتر از طبقات بوده و میل و سلیقه حاکمان است که «قانون» نام می‌گرفته است. به همین دلیل امکان فعالیت‌های بخش غیردولتی اندک و قدرت دولت در همه امور بسیار بوده است به‌نحوی که در چنین ساختاری استبدادی بی‌ضابطه‌ای، نزدیکی دوری افراد به قدرت متمرکز، آنان را در طبقات متفاوتی قرار می‌دهد. این مسئله به نقض حقوق مالکیت و اخلاص در انباشت درازمدت سرمایه در ایران انجامیده است و با توجه به کم‌آبی مزم و پراکندگی شهرها، امکان سیطره حکومت‌های ایلیاتی را میسر کرده است. کاتوزیان در فصل ۱۷ این کتاب که عنوانش «انقلاب ملت» بود، انقلاب ۱۳۵۷ را، نه نظیر انقلاب‌های غربی، شورش طبقات محروم علیه طبقات ممتاز که به‌عنوان واکنشی به ساختار «استبداد نفتی» حکومت محمدرضا پهلوی و قیام عموم طبقات جامعه علیه استبداد دولت حاکم تحلیل کرده است و اگرچه این فصل و فصل ۱۸ کتاب کاتوزیان به فارسی برگردانده نشدند، اما شاکله بحث کاتوزیان به‌عنوان الگویی از تحلیل مبتنی بر اقتصاد سیاسی، هواداران فراوانی در میان محققان ایرانی پیدا کرد. او بعدها در مقاله‌ای «به سوی نظریه‌های عمومی انقلاب‌های ایرانی» در کتاب «تضاد دولت و ملت» همین اختلافات را دستمایه تلاش برای طراحی مدلی خاص انقلاب‌های ایرانی کرد و در فصل سیزدهم آخرین کتاب خود: «ایرانیان» نیز به موضوع «انقلاب بهمین ۵۷» اشاره کرد؛ هرچند این فصل دوباره در ترجمه فارسی غایب بود.

احمد اشرف



اتحاد اشرف در سه مقاله «طبقات اجتماعی در عصر پهلوی»، «اتحاد بازار و روحانیت: بنیان اجتماعی شورش‌ها و انقلاب‌ها» و «دولت، طبقات و روش‌های بسیج توده‌ها در انقلاب ایران» که همگی در کتاب «طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران» گرد آمده‌اند، با اعتنا به تغییراتی در دوران پهلوی نظیر ایجاد دولت متمرکز و توانمند، سه‌برابر شدن جمعیت، گسترش شهرنشینی،

درباره انقلاب ۱۳۵۷ ایران کتاب‌ها و مقالات بسیار زیادی به دست نویسندگان ایرانی و خارجی نوشته شده است که حتی عرضه فهرستی مجمل از عناوین آنها نیازمند انتشار کتابی مفصل است. همگی این نوشته‌ها را البته نمی‌توان در زمره آثار علمی قرار داد زیرا بسیاری از آنها دعوی چنین عنوانی را ندارند و بیشتر دل‌مشغول جمع‌آوری وقایع و حوادث انقلاب یا ذکر خاطرات دولتمردان پهلوی و مبارزان انقلابی هستند، بنابراین در آنها نمی‌توان چندان نشانی از اتکای نویسنده به نظریه‌ای خاص یا روشی ویژه در جمع‌آوری داده‌ها یافت. برای نمونه‌ای از این کتاب‌ها که البته در نوع خود می‌توانند در روشن شدن زوایایی از پدیده پیچیده انقلاب ایران به محققان کمک کنند، می‌توان به «اسقوط شاه» فریدون هویدا، «اعترافات ژنرال» عباس قره‌باغی، «خدمتگزار تخت طاووس» پرویز راجی، «ماموریت در ایران» ویلیام سولیوان (آخرین سفیر آمریکا در ایران)، «درون انقلاب ایران» جان دی استمپل اشاره کرد. در تحلیل آثار علمی بهره‌مند از نظریه‌های خاص نیز اما اختلاف نظری میان پژوهشگران وجود دارد. در ادامه نخست، گزارشی از تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته پیرامون دیدگاه‌های نظری درباره انقلاب ایران ارائه می‌شود، سپس ۱۰ اثر شاخص در تحلیل تئوریک انقلاب ۵۷ معرفی خواهد شد.



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

تقسیم‌بندی‌های نظریه‌های انقلاب اسلامی ایران

پژوهشگران علوم سیاسی، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی را برای نظم‌بخشی به نظریه‌های انقلاب ۱۳۵۷ پیشنهاد داده‌اند. برای نمونه، گاه از رهیافت‌های چندعلیتی و تک‌علیتی سخن به میان آمده است. از چشم‌انداز دیگری، محمدباقر خرمشاد به رهیافت‌های جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اشاره کرده است. مهرزاد بروجردی معتقد است، آموزه‌های دو مکتب هستند که بیشترین نقش را در تبیین پدیده انقلاب داشته‌اند: نگاه نخست از دیدگاه اقتصاد سیاسی به انقلاب می‌نگرد و رویکرد دوم بر ایده‌های فرهنگی و آیدنولوژیکی تکیه می‌کند. حمیرا مشیرزاده اما نظر به‌ها را براساس عوامل اقتصادی-اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روانشناختی و ترکیبی (چندعلیتی) توضیح داده است. در توضیح مشیرزاده، در آثار متمرکز بر توضیح انقلاب براساس عوامل اقتصادی-اجتماعی، بر نقش اقتصاد سیاسی یا ساختار اجتماعی (نهادهای و قشربندی‌های اجتماعی) تاکید ویژه‌ای می‌شود. تحلیل‌های سیاسی اما بر مواردی چون وضعیت مشارکت سیاسی و سنجه‌های رقابت دموکراتیک تکیه می‌کنند. در تحلیل‌های روانشناختی، نقش فرایندهای ذهنی و روانی در توضیح رفتار انقلابیون و حاکمان اهمیت پیدا می‌کند. در رهیافت‌های فرهنگی به عوامل فرهنگی و ارزشی توجه می‌شود و رهیافت‌های ترکیبی این نکته پرورده می‌شود که عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، همه در رابطه‌ای پویا منجر به وقوع انقلاب شده‌اند.

انتخاب هرکدام از این چارچوب‌ها، امکان‌ات و محدودیت‌های خاصی برای فعالیت ایجاد می‌کنند، اما برای ایجاد نظم ذهنی و فهم سهیل‌تر و صریح‌تر تمایزها، چاره‌ای جز انتخاب یک الگو نیست. البته می‌دانیم که قراردادن برخی آثار در یک دسته

